

دوتن از دبیران درس «دینی و قرآن» در گفت‌وگو با مجله رشد آموزش قرآن:

رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی
فریبا انجمی

گفت‌وگو

معلمان را
تغذیه
فکری کنید

اشاره

پنج‌شنبه روزی از سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دبیرستان طلوع شهرک قدس حاضر شدیم و پای سخنان دو تن از دبیران با تجربه درس «دینی و قرآن» نشستیم؛ خانم‌ها بتول اکرام جعفری و زهرا ترابی هر دو ۲۲ سال تجربه دارند و بخش بیشتر آن را در کلاس درس گذرانده‌اند. آن‌ها با امید به توجه و دریافت‌هایشان در درس دینی و قرآن و تألیف کتاب‌های درسی، اصلاح نواقص موجود و نیز توجه به پر بار کردن دوره‌های آموزش ضمن خدمت، خواهان قراردادن امکانات کمک آموزشی کافی و مفید در اختیار مدارس هستند.

این دو دبیر با تجربه، با دغدغه زیاد، به ابعاد توطئه دشمنان اشاره دارند که دانش‌آموزان را هدف گرفته‌اند تا آنان را نسبت به دین و آیینشان بدبین کنند. به این دلیل و به خاطر احساس مسئولیت و تکلیف، خواهان عطف توجه مدیران آموزش و پرورش به این معضل می‌شوند و پیشنهاد می‌کنند، دبیران این درس هر چه بیشتر با مسائل روز تغذیه فکری شوند تا بتوانند به پرسش‌های دانش‌آموزان پاسخ قانع‌کننده بدهند، شبهه‌های القایی را بزدایند و تردیدها را از ذهن آنان پاک کنند.

جمع‌بندی نظرات دبیران درس «دینی و قرآن» خانم‌ها
اکرام جعفری و ترابی:

۱. حجم کتاب‌های درسی دینی و قرآن زیاد است و وقت تدریس کم.
۲. دوره‌های آموزش ضمن خدمت از نظر محتوایی بسیار ضعیف برگزار می‌شوند.
۳. هنگام تغییر محتوای کتاب‌های درسی باید به آرای دبیران با سابقه نیز توجه کنند.
۴. عمده تغییرات اعمال شده در کتاب‌های درسی «دینی و قرآن»، نسبت به کتاب‌های قبلی نزول کیفی داشته است.
۵. دانش‌آموزان در درست‌خوانی و روان‌خوانی قرآن بسیار ضعف دارند. و بخش قرآن کتاب‌های دینی و قرآن در کلاس‌ها به درستی انجام نمی‌شود.
۶. چرا مجله رشد آموزش قرآن را برای مدارس نمی‌فرستند تا در دسترس دبیران قرار گیرد و از آن استفاده شود؟

● رشد آموزش قرآن شنونده نظرات انتقادی و اصلاحی

شما درباره درس و کتاب «دینی و قرآن» است.

اکرام جعفری: ابتدا باید از کسانی که نام کتاب را از «بینش دینی» به «دینی و قرآن» براساس آیات قرآن کریم تغییر دادند، تشکر کنم. گرچه کتاب بینش دینی خوب بود، ولیکن درس «دینی و قرآن» ما را وامی‌دارد با دانش‌آموزان بیشتر کار کنیم

نکته اول این است که درس «دینی و قرآن»

در حد دانش باقی‌مانده است. به همین علت، بچه‌ها از نظر اطلاعات و دانش دینی در سطح خیلی خوب قرار دارند. برای مثال در کنکور، تست‌های مربوط به معارف اسلامی را خوب می‌زنند و رتبه‌های خوبی هم می‌آورند، ولی باید محاسبه شود که دانش آن‌ها چه قدر جنبه عملی و رفتاری به خود گرفته است. این بسیار اهمیت دارد.

گاهی رفتارهای دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی نشان می‌دهد، با وجود این که ده سال تعلیمات دینی و قرآن را آموزش دیده‌اند، ولی میان آن‌ها خوانده‌اند و آن‌چه می‌کنند، تضاد وجود دارد. می‌خواهم بدانم، به چه علت درس «دینی و قرآن» در حد دانش باقی‌مانده است؟ آسیب‌شناسی این موضوع اهمیت دارد.

ترابی: یکی از مشکلات ما به عنوان دبیر درس «دینی و قرآن»، نداشتن وقت کافی برای تدریس است، زیرا حجم کتاب زیاد است. تمام همکارانی که آموزش این کتاب را به عهده دارند، می‌دانند برخی از درس‌ها وقت زیادی می‌طلبند، زیرا باید روی آن‌ها توقف و کار کرد. لذا با عنایت به متناسب نبودن زمان در اختیار و حجم بسیار کتاب، مجبوریم برخی درس‌ها را با مروری

گذرا، رد کنیم. کمبود وقت برای ما مشکل‌زاست.

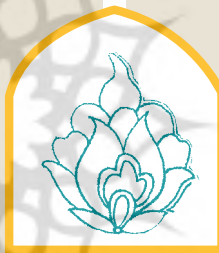
مشکل دیگر از آن‌جا ناشی می‌شود که ما در کلاس تأکید داریم که فرق آموزه‌های کتاب «دینی و قرآن» با کتاب‌های درسی دیگر این است که آن‌چه را از درس‌های این کتاب فرامی‌گیریم، باید در رفتار ما تجلی بیابد و در زندگی خود را نشان بدهد. نمره ۲۰ در این درس، باید نشانگر تغییر رفتار ما تا آن حد باشد که اطرافیانمان آن را دریابند. در حالی که ما روی این نکته وقت می‌گذاریم، اما در امتحان نهایی مشاهده می‌شود، کلیه سؤال‌های درس «دینی و قرآن» مانند سؤال‌های فیزیک و ریاضی است و روی کلمه‌ها و نکته‌های جزئی بسیار تأکید می‌شود و دانش‌آموز را به حفظ مطالب وامی‌دارد. این‌گونه طرح سؤال، دانش‌آموز را وامی‌دارد به محفوظات ذهنی بیفزاید و از توجه به عمل بازماند. به همین علت، بنده به عنوان معلم مجبور می‌شوم در کلاس به این موضوع توجه داشته باشم و به دانش‌آموزان یاد بدهم که چگونه در امتحان به چنین پرسش‌هایی پاسخ بدهند. این کار مستلزم وقت و موشکافی است و وقت می‌برد؛ در حالی که ما در حد آموزش متداول نیز کمبود وقت داریم.

ما در دوره کلاس‌های آموزش ضمن خدمت، به مدرسان محترم گفتیم که سه ساعت مقرر کنونی برای این درس کم است؛ یا بر ساعت آموزش بیفزایند یا حجم کتاب را کمتر کنند. این حجم از کتاب برای تدریس مستلزم داشتن چهار تا پنج ساعت وقت آموزشی در هفته است.

● خانم اکرام جعفری شما به موضوع

آسیب‌شناسی مورد نظر تان بپردازید.

اکرام جعفری: قبل از پرداختن به موضوع آسیب‌شناسی باید اعلام کنم، به این علت که خداشناسی فطری است، دانش‌آموزان ذاتاً زمینه پذیرش مطالب مذهبی را دارند و گرایش به دین در رفتار بچه‌ها مشهود است، اما شناسایی عواملی که سبب فاصله گرفتن آنان از فطرتشان می‌شود نیز اهمیت دارد. یک عامل، تضاد فرهنگی میان دبیر دینی و قرآن با خانواده دانش‌آموزان است. گاهی این تضاد خود را نشان می‌دهد که در جای خود به آن می‌پردازم. البته برای از میان بردن تضاد، می‌توان مثلاً هر بار یک رفتار و عمل را در کلاس موضوع تمرین قرار داد. برای مثال من دو هفته را اختصاص می‌دهم به چگونگی کنترل خشم، یا احترام به پدر و مادر. در حقیقت همان موضوع‌هایی در این کار مورد نظرند که در قرآن بر آن‌ها تأکید شده است. البته به چنین کاری نمره‌ای اختصاص نمی‌دهم تا مبادا کسب نمره، آن‌ها را به انجام تمرین وادارد، بلکه توجه آن‌ها را جلب می‌کنم به نتیجه آن؛ هر کس به این تمرین‌ها عمل کند، آثار مفید و مثبتش را در زندگی خود خواهد دید و عمل نکردن به آن‌ها بر زندگی تأثیر



منفی می‌گذارد. این روش تا حد قابل قبولی موفقیت‌آمیز است که نشانگر زمینه پذیرش در بچه‌هاست.

● آیا شما از نزدیک بر این موفقیت‌ها شاهد بوده‌اید؟

اکرام جعفری: بلی! تقریباً دو سال است دارم این کار را انجام می‌دهم. برای این که دریابم چرا از دانش خود بهره نمی‌گیریم و بدان عمل نمی‌کنیم؟ لذا با کمک دانش‌آموزان، با شناسایی نکات منفی و بررسی ضعف رفتار، آن‌ها را یادداشت می‌کنیم. بعد بچه‌ها می‌آیند تجربه‌های خود را در زمینه موضوع‌های مطرح شده می‌گویند. از جمله برخی از آن‌ها، از این که توانسته‌اند خشم خود را کنترل کنند، یا به پدر و مادرشان احترام بگذارند، ابراز مسرت می‌کنند. درباره نماز نیز از این روش استفاده کرده‌ام و شکر خدا تا حدی نتیجه مثبت گرفته‌ام.

● آن چه را که شما عامل موفقیت می‌دانید، آیا زمینه‌ای در کتاب درسی «دینی و قرآن» هم دارد؟ منظورم این است که کتاب برای بهره‌گیری از این روش کمکی کرده است؟

اکرام جعفری: اصلاً! اما هدف کتاب «دینی و قرآن» غیر از این نیست که دستورات قرآن را انجام دهیم. در حقیقت کتاب راهنمای زندگی ما، قرآن است و قرآن راه‌های رسیدن به موفقیت را به ما نشان می‌دهد.

● با دانش‌آموزان کدام پایه این تمرین‌ها را

انجام می‌دهید؟

اکرام جعفری: با دانش‌آموزان اول و دوم متوسطه.

● این روش را که موفق می‌دانید، آیا در مناطق متفاوت آموزش و پرورش آزموده‌اید؟

اکرام جعفری: در مناطق دیگر به صورت غیرمستقیم انجام می‌دادم، ولی از سال تحصیلی

گذشته در این مدرسه به صورت مستقیم اجرا می‌کنم. البته کمبود وقت سبب می‌شود در تمام کلاس‌ها نتوانم پی‌گیر این روش باشم، ولی موضوع تا حد ممکن در برنامه کاری‌ام قرار دارد. زیرا از این طریق بچه‌ها را به تفکر و تدبیر درباره اعمالشان وامی‌دارم.

● خانم اکرام جعفری، سرکار به آسیب‌شناسی در درس «دینی و قرآن» اشاره کردید، خوب است ادامه مطالب خود را بفرمایید.

اکرام جعفری: وجود تضاد فرهنگی بین خانواده‌ها و برخی از دستورات کتاب «دینی و قرآن»، یکی از آن‌هاست. در مواردی دانش‌آموزان با آن چه در کتاب آمده است، بسیار بیگانه‌اند؛ از جمله حجاب یا دست دادن با نامحرم. چنان در میان برخی خانواده‌ها عادی است که به قول خودشان، آن را «بدون منظور» می‌دانند، زیرا با این فرهنگ در خانواده رشد کرده‌اند و داشتن حجاب و دست ندادن با نامحرم را به عنوان «دستور دینی» نمی‌شناسند.

دوم، می‌دانیم که رسالت رسانه‌های ارتباط جمعی ما، آگاهی دادن به جامعه است تا به آنان بینش ببخشند. متأسفانه بین اکثر دانش‌آموزان با رسانه‌های داخلی فاصله به وجود آمده است.

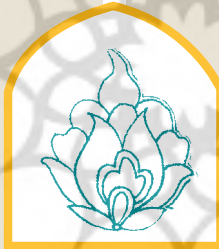
سوم، دانش‌آموزان فکر می‌کنند که دین را باید از افراد یاد بگیرند. اگرچه بارها یادآور می‌شویم که نباید چنین باشد، بلکه الگوهای ما باید پیامبر (ص) و امامان (ع) باشند، اما آنان افراد عادی را الگو قرار می‌دهند، لذا وقتی کار خطایی از افراد سر می‌زند، آن را به پای دین می‌نویسند. به این ترتیب، به باورهای دینی آنان ضربه وارد می‌شود.

● این نکته در جامعه قابل مشاهده است؛ یعنی وجود تضاد در جامعه، در خانواده، در مدرسه و بین افراد با هم. اما باید به این پرسش پاسخ داد که درس «دینی و قرآن» باید چه راهکارهایی ارائه دهد تا این تضادها بین دانش‌آموزان به حداقل برسد؟

اکرام جعفری: باید محتوای این درس را برای بچه‌ها جذاب کنیم. دانش‌آموزان در راهنمایی درس دینی را به صورت داستان فرامی‌گرفتند، اما با یادداشتن به کلاس اول دبیرستان، ناگهان در این درس با «تدبیر در قرآن» مواجه می‌شوند که همزمان برای ایشان مشکل است و در این ارتباط احساس سنگینی می‌کنند و واکنش تند نشان می‌دهند. طرح ناگهانی و دفعی تدبیر، از نکات مثبت درس «دینی و قرآن» می‌کاهد. انتظار بنده به عنوان دبیر این درس این بوده است که تغییرها سنجیده‌تر اعمال شود. همکاران ما تغییرات درس «دینی و قرآن» کلاس دوم را مثبت نمی‌دانستند. آیا فقط مؤلفان به این نتیجه رسیده‌اند که باید در درس تغییر به‌وجود بیاید یا تغییر علل دیگری دارد؟ این نوع تغییر، از جاذبه درس برای دانش‌آموز می‌کاهد و بین محتوای درسی و دانش‌آموز شکاف ایجاد می‌کند.

ترابی: کتاب‌های پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان حاوی موضوع‌های بسیاری است. فراوانی موضوع و دقت کم سبب شده است که به برخی از آن‌ها فقط اشاره‌ای شود.

در کتاب سال دوم، یکی از دروس به «رشد» اختصاص دارد. کتاب قبلی حق مطلب درباره این موضوع را بهتر ادا می‌کرد، ولی کتاب جدید، به سرعت از موضوع رشد رد می‌شود. با این حال، بنده پیرامون موضوعی مثل «نفس آماره» یا «شیطان» یک تا دو جلسه بحث می‌کنم و به بچه‌ها هم فرصت اظهارنظر می‌دهم. به این ترتیب، آن‌ها با طرح تجربه‌های تلخ خود - که بیشتر درباره دام‌های شیطانی است - با یکدیگر تبادل تجربه می‌کنند که برایشان مفید و آموزنده است. البته ابتدا به ساکن، تمام مسائل مربوط به این موضوع‌ها را مطرح نمی‌کنم، اما پس از اظهارنظر دانش‌آموزان، آن وقت رشته بحث را به دست می‌گیرم و به صورت مشاوره، راه‌هایی را برای سد کردن نفوذ



اطلاعات لازم را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانش‌آموزان دارم، ولی دربارهٔ جریان و منابع معاند ندارم. کاملاً مشخص است برخی از سؤال‌هایی که دانش‌آموزان در کلاس طرح می‌کنند، بدون شک از جاهایی به آنان القا می‌شود.

نمونه‌ای را بازگو کنم عده‌ای از همکاران آموزشی و پرورشی دو هفته به مدرسه ما می‌آمدند تا در کلاس سخن‌رانی یکی از خانم‌ها دربارهٔ حجاب شرکت کنند. دانش‌آموزان نیز در این جلسات شرکت می‌کردند. پرسش‌هایی را که برخی از دانش‌آموزان مطرح می‌کردند، در حد دانش‌آموزان دوم و سوم دبیرستان نبود. برداشت من این بود که پرسشگر با شرکت در جلساتی یا از طریق سایت‌ها پرسش‌هایی به وی القا می‌شود؛ آن هم از جنبه منفی. مدتی است که عده‌ای از دانش‌آموزان، «تحریف قرآن» را مطرح می‌کنند. به‌ویژه وجود «قرآن کریم» به‌عنوان یکی از دلایل «ختم نبوت» در کتاب «دینی و قرآن» آمده است. بچه‌ها می‌گویند، چه‌طور می‌خواهید ثابت کنید قرآن تحریف نشده، در حالی که کتاب‌های آسمانی دیگر تحریف شده‌اند. بنده اطمینان دارم القای این شبهه توسط دیگران به بچه‌هاست تا به این هدف برسند و جا بیندازند که قرآن نیز مانند دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف شده است.

پرسش‌هایی را که برخی از دانش‌آموزان مطرح می‌کنند، در حد دانش‌آموزان دوم و سوم دبیرستان نیست. برداشت من این است که پرسشگر با شرکت در جلساتی یا از طریق سایت‌ها تغذیه فکری شده و پرسش‌هایی به وی القا می‌شود

شیطان پیشنهاد می‌کند. لذا آن چه در کتاب آمده است، با استفاده از تجربه‌ها و دانسته‌های دانش‌آموزان تبیین می‌شود و دخالت دانش‌آموزان در بحث، بر آنان تأثیر مثبت بیشتری دارد. یکی از مشکلات به‌ویژه در مناطق شمال تهران نفوذ فرهنگ غربی در خانواده‌هاست، تا آن حد که بیشترشان رسانه‌های ارتباط‌جمعی و خبری کشور را غیرقابل اعتماد می‌دانند. منبع خبری بچه‌ها، بیشتر تلویزیون‌های ماهواره‌ای است و بدان‌ها اعتماد دارند.

● به چه دلیل چنین احساسی دارید؟

ترابی: از این بُعد که باید به عنوان معلم از نظر فکر و دانش دینی بسیار غنی باشم.

● به نظر من در طول سال‌های آموزشی، به این پرسش مقدر دانش‌آموز پاسخ داده نشده است که چرا بشر دین نیاز دارد؟ اصلاً «دین» چیست؟ آیا بشر باید دین داشته باشد؟ به نظر می‌رسد آموزش و پرورش ما در حوزهٔ دین بیشتر درصدد تحریک عواطف بوده است تا بخواید تعقل را در دانش‌آموزان تقویت کند و رنگ عقلانی و استدلالی به مبنای اعتقادی ببخشد. به‌ویژه در زمان حاضر، باید به این سؤال‌ها و مشابه آن‌ها پاسخ مقتضی بدهد تا راه نفوذ فرهنگ غربی باز نماند. باید این نوع واکنش‌ها، نظام آموزش و پرورش ما را هشیار کند تا به‌دنبال سد رخنه‌ها باشند.

ترابی: منظور بنده نیز همین است. باید منابعی را که در بچه‌ها شک ایجاد می‌کنند، شناخت. ما اکنون دربارهٔ این منابع و جریان‌ها آگاهی نداریم. البته دربارهٔ معاد، نبوت و امامت



برسد؟ باید خبر چاپ کتاب راهنمای معلم به همه مناطق برسد و نمونه کتاب نیز موجود باشد تا آن را در اختیار تمام معلمان قرار دهند.

● اشاره داشتید که کتاب‌های راهنمای معلم را برایتان نفرستاده‌اند، آیا آموزش ضمن خدمت داشتید؟

ترابی: خیر! نه اطلاع‌رسانی شد و نه دوره آموزش ضمن خدمت داشتیم. اول مهر وقتی سرکلاس رفتیم، دیدم کتابی که در دست دانش‌آموزان است، تغییرات دارد. دوره آموزش ضمن خدمت ما تازه از ۹ آبان ماه شروع شد.

اکرام جعفری: همکارم تقریباً بیشتر مسائل را گفتند. خیلی گذرا تأکید می‌کنم که جامعه در مقابل تهاجم فرهنگی قرار دارد. مقام معظم رهبری بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند. پرسش بنده این است: «برای مقابله با تهاجم فرهنگی چه کرده‌ایم؟»

اکثر همکاران می‌گویند، دانش‌آموزان در کلاس پرسش‌های خاصی را مطرح می‌کنند. که ظاهراً از جایی هدایت می‌شود، پرسش‌هایی مثل «از کجا می‌دانید قرآن تحریف نشده است؟» یا «رعایت حجاب چه لزومی دارد؟»، پرسش‌های مشترک یا مباحثی که دانش‌آموزان است که نشان می‌دهد آنان از منبع یا منابعی خط می‌گیرند. بنابراین بسیار مهم است که معلمان بدانند، در مقابل پایگاه‌های اینترنتی خط‌دهنده، چه پایگاه‌های دیگری برای مقابله با شبهه‌ها وجود دارد. ضروری است معلمان تغذیه فکری شوند تا بتوانند به‌صورت روزآمد، دانش‌آموزان را آگاه و به پرسش‌های آنان پاسخ دقیق و قانع‌کننده بدهند. اکثر همکاران در حوزه مسائل فکری، خوب تغذیه نمی‌شوند و اطلاعات لازم و مقتضی در اختیار آنان قرار نمی‌گیرد. آیا نهادی یا فردی وجود دارد که با جمع کردن تمام

سؤال‌ها و دسته‌بندی، به آن‌ها پاسخ بدهد؟ همه می‌گویند کلاس‌های انحرافی به نام عرفان زیاد شده است. دانش‌آموزان هم

چنین الفاها و پرسش‌هایی نیز این موضوع را تعقیب می‌کند که بگویند «دین» تاریخ مصرف دارد و قرآن دیگر کاربردی ندارد. یعنی در همه مبانی و ارکان دین شک به‌وجود می‌آورند.

● عده‌ای از همکاران آموزشی می‌گویند، از جمله نارسایی‌ها و کمبودهای کتاب «دینی و قرآن»، کمتر پرداختن به جاودانگی قرآن با ارائه آیات و روایات است. به نظر شما اگر این موضوع به‌صورت بهتر و بیشتر در کتاب درسی بیاید، یا از طریق امکانات کمک‌آموزشی یا تشکیل کلاس‌های ضمن خدمت بدان پرداخته شود، می‌تواند در مواجه شدن با این نوع پرسش‌ها یا شبهه‌ها، کمک کند تا پاسخ مقتضی و قانع‌کننده به دانش‌آموزان بدهند، نظر شما چیست؟

ترابی: برداشت من این است که در چند سال اخیر، برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت بدون کیفیت و در حد رفع تکلیف‌اند. کسی که در هفته دو روز و هر روز چهار ساعت در کلاس می‌نشیند، انتظار دارد بار محتوایی آن خوب باشد و مطالب و اطلاعات سودمندی دریافت کند، اما این کلاس‌ها نه تنها سودمند نیست، بلکه تکرار دانسته‌های شرکت‌کنندگان است. این دوره‌ها باید دبیران را از اطلاعات جدیدی که در دسترس نیست، غنی کنند. اگرچه دبیران درسی دینی و قرآن، احساس مسئولیت می‌کنند و با رجوع به منابع می‌کوشند. دانش قرآنی خود را افزایش دهند اما آموزش و پرورش هم نباید در قبال مسئولیتش قصور کند. جالب است بدانید، معلمی که در کلاس آموزش ضمن خدمت شرکت می‌کند، هنوز اطلاع ندارد که کتاب راهنمای معلم چاپ شده است یا از تغییر کتاب سال دوم بی‌خبر می‌ماند. بنده هفته اول مهرماه وقتی سرکلاس رفتم، از موضوع آگاه شدم. به اطلاع‌رسانی نادرست

آموزش و پرورش معترضم، چرا نباید درباره تغییر کتاب حتی یک بخش‌نامه به دست معلم

مجله رشد قرآن برای معلمان تولید می‌شود، اما به دستشان نمی‌رسد. نمی‌گویم مجله را به تک‌تک دبیران این درس بدهند، حداقل برای هر مدرسه، نسخه‌ای بفرستند تا در کتابخانه نگاه‌داری شود و همگان مطالعه کنند



می‌گویند به چنین کلاس‌هایی می‌روند. وقتی در این باره صحبت می‌شود، می‌توان دریافت که این عده، غیرمستقیم در حال از دست رفتن هستند

پیشنهاد بنده این است که حداقل در دوره‌های آموزشی سؤال‌های دانش‌آموزان را جمع‌آوری و به آن‌ها پاسخ بدهند تا همکاری که به صورت مستقیم با دانش‌آموزان ارتباط دارند، قادر به ارائه پاسخ‌های لازم باشند. پایگاه‌های اینترنتی انحرافی را به همکاران معرفی کنند و نیز نشانی پایگاه‌های خوب زیادی را که برای مقابله وجود دارد، در اختیار ما قرار دهند. بنده وقتی پایگاه تبیان را سر کلاس معرفی کردم، بچه‌ها متعجب بودند که چنین سایتی هم وجود دارد.

● خرداد ماه امسال، سرگروه‌های درس «دینی و قرآن» استان‌ها در نشست مشهد، قرار گذاشتند هر استان که پایگاه‌های اینترنتی مفیدی را می‌شناسد یا سایت‌هایی را که خود اداره می‌کند، به دیگران اطلاع بدهد و آنان نیز در سطح مناطق اطلاع‌رسانی کنند. آیا در این زمینه خبری دارید؟ آیا فصل‌نامه رشد آموزش قرآن، به شما می‌رسد؟ اگر مطالعه می‌کنید، تا چه حد قابل استفاده است، یعنی مسائل مبتلا به معلمان هنگام تدریس را مطرح می‌کند؟

تراپی: درباره پایگاه‌ها هیچ خبری به ما نرسیده است. رشد آموزش قرآن را هم در چند سال اخیر ندیده‌ام یا خیلی در دسترس نبوده است. اکرام جعفری: قبلاً این مجله در کتابخانه مدرسه موجود بود. ولی مدت‌هاست آن را نمی‌بینم.

● اگر امسال در ماه مبارک رمضان به نمایشگاه قرآن کریم می‌آمدید، می‌توانستید به‌عنوان معلم درس دینی و قرآن، مشترک شوید. حدود ۸۰۰ نفر از معلمان در نمایشگاه، مشترک مجله شده‌اند و یا مدرسه می‌تواند متقاضی دریافت مجله رشد آموزش قرآن از طریق اشتراک بشود؛ ضمن این که معلم نیز می‌تواند درخواست اشتراک کند تا برایش ارسال شود.

اکرام جعفری: مگر چند درصد از همکاران توانسته‌اند به نمایشگاه قرآن بروند؟ معلمان که فقط در تهران نیستند، در سراسر کشور پراکنده‌اند. درخواست ارسال مجله باید از طریق مناطق و مدارس صورت گیرد. مجله برای معلمان تولید می‌شود، اما به دستشان نمی‌رسد. نمی‌گویم مجله را به تک‌تک دبیران این درس بدهند، حداقل برای هر مدرسه، نسخه‌ای بفرستند تا در کتابخانه نگهداری شود و همگان مطالعه کنند.

اگر بتوان از طریق پایگاه اینترنتی به صورت برخط (آن‌لاین) پرسش‌های دانش‌آموزان را با کارشناسان درمیان

گذاشت و جواب مناسب و مقتضی دریافت کرد، تحولی در این درس پدید می‌آید. بنده به صورت غیرمستقیم این کار را انجام می‌دهم، اما دلم می‌خواهد مشکلات و پرسش‌ها را با فردی درمیان بگذاریم که از آموزش و پرورش است و معضلات این حوزه را از نزدیک می‌شناسد و تجربه کار در آموزش و پرورش و مدرسه را دارد. یادآوری کنم، سال گذشته، دانش‌آموزان فیلم «سنگسار» را از پایگاه‌های اینترنتی دیده بودند و می‌پرسیدند آیا سنگسار در اسلام وجود دارد؟ اگر اسلام دین رأفت و عطف است، آیا چنین کاری را اجازه می‌دهد؟ این پرسش‌ها مهم و بنیانی است و به جواب‌های دقیق و مستدل و قانع‌کننده نیاز دارد. آیا کسی را در آموزش و پرورش داریم که درد معلمان را حس کرده باشد و بتواند پاسخ‌گوی پرسش‌ها و رافع مشکلات باشد؟ آیا امکان ارتباط با چنین افرادی به صورت مستمر وجود دارد؟

تراپی: شنیده و دیده‌ایم که وهابی‌ها بین مردم کتاب‌های رایگان توزیع می‌کنند؛ آن هم برای ترویج مبانی فکری خود. ما یک‌سوم هزینه‌ای را که وهابی‌ها برای تبلیغات می‌کنند، برای قرآن صرف نمی‌کنیم.

اکرام جعفری: در تکمیل گفته خانم تراپی اضافه کنم، اکنون وهابی‌ها از بهترین محققان خود استفاده می‌کنند تا دریابند چگونه با مذهب تشیع مبارزه کنند. درصددند مواردی را به‌عنوان نکته‌های ضعف در میان شیعیان اشاعه دهند و شبهه به‌وجود آورند؛ یعنی همان بحث‌هایی که گاهی عده‌ای از دانش‌آموزان مطرح می‌کنند.

● نکته این نیست که ما در حوزه دین و مذهب محقق و پژوهشگر زبده نداریم، بسیار هم داریم. مشکل این است که مدیریت عملگرا و برنامه‌ریز بر مبنای نیازها برای جهت دادن امور نداریم. اگر هم مدیریتی وجود دارد، به‌صورت اصولی بدان نمی‌پردازد تا نقاط آسیب‌پذیر و گلوگاه‌های ورود میکروب را شناسایی و درمان مناسب را تجویز کند. به نظر می‌رسد آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌هاست که می‌تواند میکروب شبهه و انحراف را به درون خود راه دهد. همین مواردی را که شما مطرح می‌کنید، آیا نشانگر چنین آسیب‌پذیری نیست؟

اکرام جعفری: پس از ۳۰ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، نباید چنین مشکلاتی را در آموزش و پرورش که یکی از گلوگاه‌های راهبردی است، مشاهده کرد.

● به نظر شما چه نکته‌هایی در کتاب قابل طرح است که تا الان نشده است؟

اکرام جعفری: در پایان آداب قرائت قرآن، درباره انس با قرآن پیشنهادی کرده که مفید است. یعنی به دانش‌آموزان گفته شده است که می‌توانند برای انس یافتن با قرآن، از آیات

کوتاه آغاز کنند.

واداشتن دانش‌آموزان به تدبیر، برای مؤلفان مهم بوده است. برای این کار پیام‌هایی را در قالب پرسش طرح کرده‌اند که بچه‌ها نه درباره آن زمینه ذهنی قبلی دارند و نه این جهش آموزشی، متناسب با آمادگی ذهنی و فکری آنان است. باید این کار مرحله به مرحله صورت می‌گرفت تا مفید واقع شود.

ترابی: دانش‌آموز باید دقت کند و به استخراج پیام دست بزند. اما بین متن آیه و ترجمه فارسی آن فاصله انداخته‌اند و پیام را در صفحه دیگر نوشته‌اند. خیلی از دانش‌آموزان قادر به ترجمه آیات نیستند، لذا باید به صورت مکرر به صفحه‌های قبلی رجوع کنند. پیام باید بلافاصله بعد از ترجمه آیه قرار گیرد، یعنی همان جایی که معانی لغات را نوشته‌اند.

● به نظر می‌آید مؤلفان با فاصله‌گذاری خواسته‌اند دانش‌آموز را به تفکر و تدبیر وادارند. یعنی دانش‌آموز ابتدا خودش درباره پیام آیه فکر کند، بعد از آن از ترجمه مدد جوید و در نهایت، در صورت ناتوانی حل مسئله، از دیگران کمک بخواهد.

اکرام جعفری: این کار باید تدریجی انجام شود و قدم‌به‌قدم باید پیش رفت. در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، درس سطحی است، اما در دوره متوسطه ناگهان دانش‌آموز را وارد فضایی کاملاً نو و سنگین می‌کنند که بازده لازم را ندارد.

● اگر موضوع تدبیر و تفکر از ابتدای کتاب به اواسط آن منتقل شود، آیا مفید خواهد بود یا هنوز معتقدید اشکال دارد؟

ترابی: مهم این نکته است که به دانش‌آموز بفهمانیم از آیات قرآن به آسانی می‌توان بهره گرفت و این کار هم فقط از طریق ترجمه آیات ممکن است. با ترجمه آیه، وی می‌تواند پیام آیه را کامل کند و درباره آن بیندیشد و تدبیر کند.

● کتاب با این پیش‌فرض تدوین شده است که دانش‌آموزان این پایه تحصیلی می‌توانند آیات ساده را به فارسی برگردانند.

منظورم این است که بچه‌ها با آموختن ترجمه ساده، می‌توانند پیام آیات را کامل کنند. با این عمل دانش‌آموز درمی‌یابد تا چه حد توانسته است قرآن را بیاموزد و بدین ترتیب نتیجه می‌گیرد درس «دینی و قرآن» راحت است و قابلیت درک آن را دارد. بنده این کار را هنگام آموزش در پایه‌های دوم و سوم انجام می‌دهم. از دانش‌آموزان می‌خواهم پیام آیات را بگویند و آنان این کار را می‌کنند. هدفم این است که دانش‌آموز پس از کلاس نیز بتواند پیام آیه را استخراج کند، نه این که پس از مطالعه توضیح‌های مربوط به درس، پیام را بیابد، بلکه باید بتواند با خواندن آیه، پیام آن را دریابد. بنده این اشکال را متوجه کتاب می‌دانم.

داشتن صفحه‌های زیاد و زائد، اشکال دیگر کتاب است. درست است که برخی از صفحه‌ها حاوی شعر و برخی دارای تصویرند، ولی آثار روانی منفی این صفحه‌ها بر دانش‌آموزان، بیشتر از آثار مثبت است. دانش‌آموز کلاس سوم وقتی کتاب

۲۱۵ صفحه‌ای را می‌بیند، با تعجب می‌پرسد: «خانم ما می‌توانیم تا امتحان نهایی ۲۱۵ صفحه کتاب را تمام کنیم؟» بعد متوجه می‌شود که بسیاری از صفحه‌ها زائدند. یکی از دانش‌آموزان صفحه‌های زائد را شمرده بود و فقط ۱۱۵ صفحه را مربوط به درس می‌دانست. حدود ۱۰۰ صفحه دیگر شامل مطالب غیردرسی است. بنده برای هر درس، تعداد صفحه‌های اصلی را مشخص می‌کنم.

● آیا صفحه‌های اضافی برای ایجاد جذابیت نیست؟

ترابی: از نظر دانش‌آموزان جواب منفی است. به نظر خودم، برخی از مطالب مفیدند. عده‌ای از همکاران پیشنهاد می‌کردند مطالب مفید را از کتاب درسی خارج کنند و به کتاب راهنمای معلم بیفزایند تا معلمان از آن‌ها استفاده کنند. گاهی سرکلاس از یک نفر می‌خواهم که مطالب مفید درس را بخواند و بقیه هم گوش کنند. برخی مطالب کتاب برای معلم مفید است. حجم زیاد هیچ جاذبه‌ای برای دانش‌آموز ندارد و این دلهره همواره دانش‌آموز را تحت فشار می‌گذارد که مبدا لازم باشد همه مطالب را برای امتحان آماده کنیم؟

● درباره ادغام درس «دینی و قرآن» نظرها متفاوت است.

به‌طور کلی دو نظر اصلی - موافق و مخالف -

داریم. نظر شما در این زمینه چیست؟

ترابی: ادغام کار بسیار خوبی بود که انجام دادند. در دوره قبل، درس‌های قرآن و تعلیمات دینی جدا بودند. در قالب کنونی - خلاف قبل - آیات قرآن و مطالب دینی، در یک کتاب و در یک راستا قرار گرفته‌اند که بسیار مفیدتر است.

اکرام جعفری: اگر هدف، این است که در دانش‌آموزان، تدبیر و تفکر در قرآن را تقویت کنیم و وقتی به آنان آیات قرآن را آموزش می‌دهیم، به پیام آیات نیز ارجاع بدهیم. لذا ادغام برای تحقق این هدف بهتر است.

الآن درس‌ها موضوع‌بندی شده‌اند و درباره هر موضوع آیاتی از قرآن آمده است. بنابراین، ادغام - وضع کنونی - از نظر بنده خیلی بهتر است و این اندیشه را القا می‌کند که «قرآن کتاب زندگی است».

● این موضوع مطرح است که دانش‌آموزان حتی در متوسطه نمی‌توانند آیات قرآن را صحیح بخوانند و مشکل را ناشی از نارسایی آموزش این درس می‌دانند. بسیاری معتقدند، دانش‌آموزان باید بتوانند در دوره ابتدایی بر درست‌خوانی و روان‌خوانی تسلط پیدا کنند و در مقاطع دیگر این کار تقویت شود. در دوره متوسطه نباید دانش‌آموزان نتوانند آیات قرآن را صحیح و روان بخوانند، شما چه نظری دارید؟

ترابی: در هیچ دوره‌ای نباید قرائت قرآن تعطیل شود. «دینی و قرآن»، می‌تواند مثل گذشته که یک ساعت مختص آموزش قرآن بود و دو ساعت مختص درس دینی بود انجام شود دانش‌آموزان ولی به شرط آن که در درس دینی آیات باقی بماند.

